

۱- خوشنویسی حروف الفبا به صورت مفرد و تنها:

در این حالت که در اقسام نشانه از آن به مونوگرام یاد می‌شود، مفردات خوشنویسی شده بر حسب مطلب و پیامی که آن خط نشانه باید در فرم ظاهری خود داشته باشد، طراحی می‌شود که در بعضی نقاط این فرم با نمادهای بصری نیز ترکیب می‌شود مانند نشانه‌ی بنیاد سینمایی فارابی. گاه نیز دیده شده که بنا به ضرورت عیناً آن حرف حول محور یا مرکزی تکرار می‌شود. در طراحی این قسم از خط نشانه باید به نکات زیر توجه کافی داشت:

○ مفرداتی که در خط نشانه استفاده می‌شوند باید از لحاظ خوشنویسی و اسلوب درست‌نویسی نقیصی نداشته باشند و در اجرای مو به مو و صحیح آن نباید کوتاهی نمود. گرچه برای طراح این آزادی وجود دارد که بنا به ضرورت، حرف خوشنویسی شده در خدمت رسایی پیام تغییر فرم دهد و این دو مقوله نباید با هم اشتباه شوند.

○ اگر از حروف دیگری نیز استفاده می‌شود بهتر است بر اجزای شبیه به هم و مشترک در شکل آنها جهت قرینگی یا اشتراک، تأکید شود. این کار در انسجام فرم و وحدت شکلی خط نشانه کمک شایانی می‌کند.

○ در خط نشانه‌هایی که در آنها از نمادهای بصری‌ای استفاده می‌شود که با حرف ترکیب شده‌اند، باید توجه داشت که پس از ادغام، در خوانایی آن حرف خللی وارد نکند و این ادغام از محل درست آن انجام شود. به عنوان مثال نمادی مانند اسلیمی اگر با حروفی مانند «ی»، «ل» و «ب» ترکیب می‌شود، مناسب‌تر آن است که به انتهای آنها که در اصطلاح خوشنویسی «شمره» نامیده می‌شود بچسبند.



۲- استفاده از خوشنویسی یک یا چند کلمه:

اقسامی از خط نشانه‌ها وجود دارند که در آنها از خوشنویسی و خطاطی یک یا چند کلمه و یا یک عبارت کوتاه یا یک مصراع شعر به کار گرفته شده است. در این قسمت از خط نشانه غالباً شاکله‌ی حروف و ترکیب‌بندی کلمات طوری انتخاب و طراحی می‌شوند که مجموعه در شکل‌گیری نهایی به یکی از فرم‌های هندسی مربع، مستطیل، دایره یا بیضی نزدیک شود. این عمل در استقرار به جای مفردات، اعتدال کلمات و در نهایت انسجام خط نشانه تأثیر به سزایی دارد.

رعایت قواعد آمیزش یا تلفیق صحیح کلمات، هم‌آغوشی و همسایگی حروف کلمات مشابه، استفاده‌ی خلاقانه از کرسی و خطوط فرضی جهت هم‌نشینی و زیبایی مفردات و طراحی و مهندسی هماهنگ حروف مشابه به هم، همه و همه از مواردی هستند که اگر با توجه به میانی و مطابق اسلوب خوشنویسی و گرافیک به کار بسته شوند، می‌توانند نشانه را زیبا و در نوع خود منحصر به فرد جلوه دهند.

در این نوع از خط نشانه و در مقایسه با انواع دیگر، به جهت آنکه

ترکیب‌بندی، حرف اول را می‌زند، پرداختن به اصول حسن همجواری کلمات و ایجاد تعادل و توازن، پخش کردن و چیدن صحیح نقطه‌ها جهت راهنمایی چشم به نقاط طلایی، به خصوص توجه بیش از پیش به تناسب فضای منفی یا خلوت با فضای مثبت از لزومات آن به شمار می‌آید. البته شکل‌پذیری انعطاف حروف و الفبای ایرانی و قابلیت بالای هم‌نشینی و تأثیر فرم‌ها بر یکدیگر در شاکله‌ی کلمات فارسی از مختصات ممتازی است که برای ذهن خلاق و جست‌وجوگر خطاط و طراح ایرانی مغتنم است.

نکته‌ی بسیار مهم دیگر که جهت تکمیل و متمم مطلب ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد، بحث رعایت قاعده‌ی تقدم و تأخر مفردات و حروف و کلمات می‌باشد. بدین صورت که نحوه‌ی توالی و ترتیب مفردات و چیدمان کلمات و نقاط الزاماً باید طوری باشد که به خواننده شدن آسان کلمه یا کلمات آسیبی وارد نیاید، زیرا رعایت خوانایی در طراحی یک خط نشانه که خود قسمی از نشانه نوشته می‌باشد از ارکان مهم به شمار می‌آید. جهت روشن‌تر شدن مطلب به نمونه‌هایی از این نوع خط نشانه که در صفحه‌ی بعد می‌آید، اشاره می‌شود.



خط و نشان



داریوش خانجان زاده

خط نشانه

«خط نشانه» به دسته‌ای از نشانه‌های نوشتاری اطلاق می‌گردد که در طراحی آنها خوشنویسی و خطاطی سهم عمده‌ای دارد و دانستن این عامل از اهمیت بالایی برخوردار است. در حقیقت هنرمند طراح، از هنر خوشنویسی و گرافیک در طراحی یک خط نشانه استفاده می‌کند. البته داشتن تسلط کامل بر قواعد خوشنویسی و خطاطی و وقوف و شناخت مبانی سواد بصری و نوشتاری از ملزومات این امر به شمار می‌آید.

استفاده از خوشنویسی برای طراحی یک نشانه حالات گوناگونی دارد که با ذکر مثال به این اقسام می‌پردازیم:

۴ - تلفیق عناصر تصویری با مفردات:

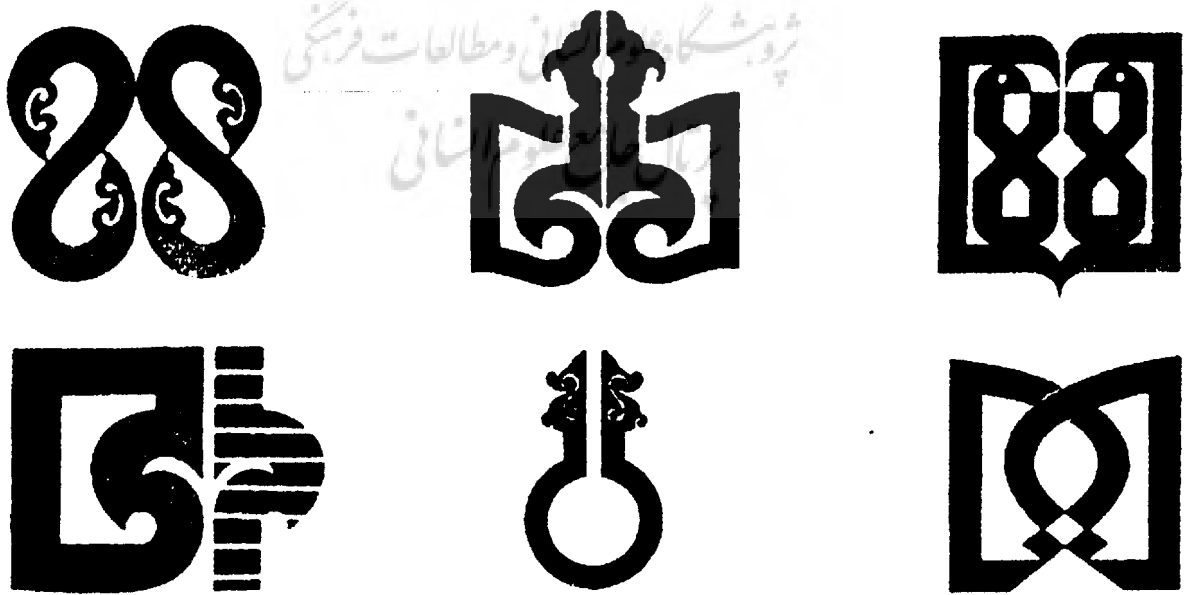
خوشنویسی و هنرهای بصری، اعم از نقاشی، مینیاتور، تذهیب و تشعیر چنان در جهت تزئین یا به منظور تشدید جلوه‌های معنوی یکدیگر، هم سرشت و هم سرنوشت بوده‌اند، که تأثیر و همراهی‌های آنها را به آسانی نمی‌توان منکر شد. آثار خلق شده در فراز و فرود سده‌ها گواه این مدعاست. به عنوان مثال هنرمندان گذشته‌ی ما به اقتضای محتوا، در یک اثر مینیاتور و تذهیب، از

قطعه‌ای خط استفاده می‌کردند و بالعکس خوشنویسان، تذهیب و تشعیر را در جهت تزئین و جلای هر چه بیشتر قطعات و رقعات خطی خود به کار می‌بستند. جلوه‌ی دیگری از همنشینی و هم آغوشی این هنرها، خط «نستعلیق گلزار» است. این شیوه‌ی نستعلیق به گونه‌ای بود که یک قطعه‌ی خطی در درون اسکلت مفرداتش نقش گل و مرغ کار می‌شد و آن را به اثری چشم نواز و بدیع بدل می‌کرد.

بهار گلستان

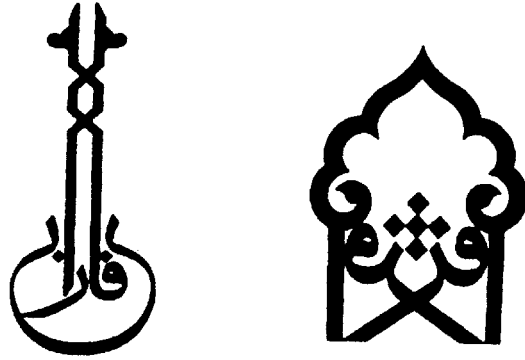
یا در کوفی مزهر که نوعی کوفی تزئینی است، گل‌ها و برگ‌ها و شاخه‌های سنتی گیاهی به عنوان زینت بخش فضاهای خلوت استفاده می‌شدند. در قسم دیگر خط کوفی که به «کوفی مورق» یا «کوفی فاطمی» مشهور است، علاوه بر اینکه زمینه‌ی کتیبه‌ها با فرم‌های برگ درختی، تزئین می‌شده، انتهای حروف و کلمات (شمره) نیز به وسیله‌ی برگ‌های تزئینی و اسلیمی تکمیل می‌گشت.

این قلم از اقلام کوفی، دارای توانایی‌های فراوانی است و همواره الهام بخش هنرمندان می‌باشد. برای روشن تر شدن مطلب به نشانه‌های زیر توجه نمایید.

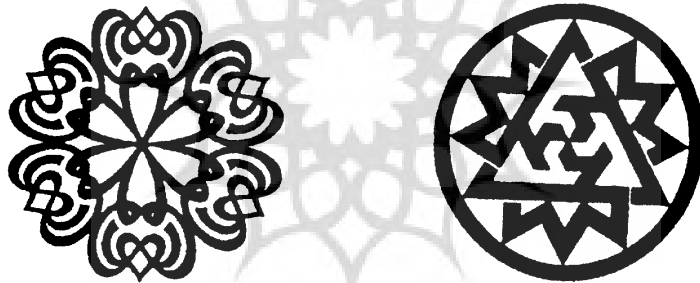


۳- استفاده از تکرار کلمه‌ی خوشنویسی شده:

برخی از خط نشانه‌ها وجود دارد که طراح پس از خوشنویسی، حروف یا کلمات آن را با ریتم و نظم خاصی تکرار می‌کند که البته این کار هم باید بنا به ضرورت موضوع انجام شود. تکرار حرف یا کلمه یا مفردات معمولاً به دو حالت صورت می‌گیرد. در حالت اول کلمه یا حرفی از آن دو بار نوشته شده غالباً به صورت تقارن و آینه، پهلو به پهلو یا هم چیده می‌شوند.



در حالت دوم تعداد عناصر نوشتاری بیشتر از حالت اول می‌باشد، بدین صورت که طراح با تکرار مفردات به یک ریتم منظم دست می‌یابد. به عنوان مثال مفردات به صورت متوالی حول مرکز یک دایره، مربع و... تکرار می‌شود.



نکته دیگر آن که در برخی از خط نشانه‌ها، درون کلمه یا کلمات، عناصری شبیه به هم موجود است که می‌شود جهت زیبایی بیشتر، توجه خاصی به آن داشت و بر روی این عناصر تأکید نمود و با طراحی مشابه از ترتیب و توالی آنها به یک ریتم منظم دست یافت. در شکل‌های زیر این مطلب به زیبایی دیده می‌شود و نمایانگر آن است که طراح توانسته از طراحی عناصر شبیه به هم، جهت توالی و ریتم، در مفردات به زیبایی هر چه تمام‌تر سود جوید.

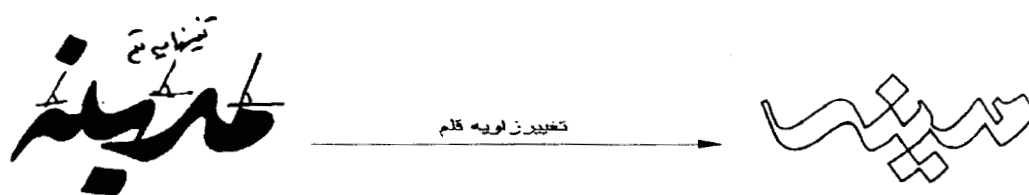
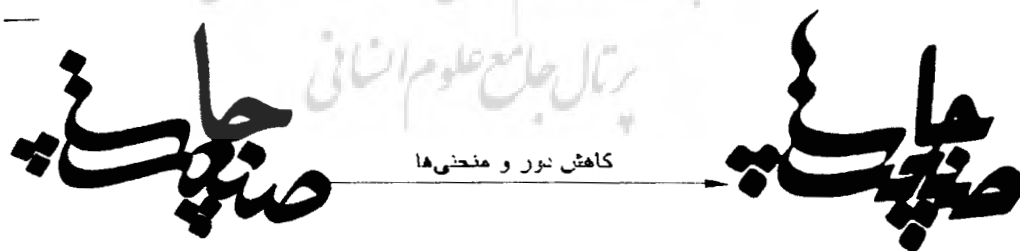
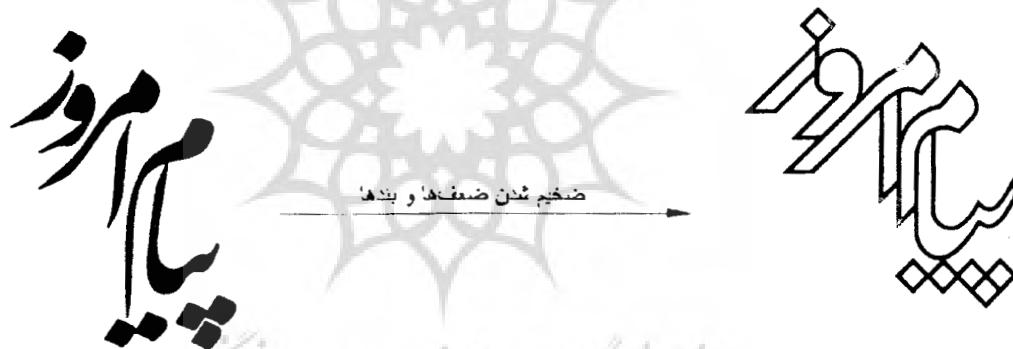
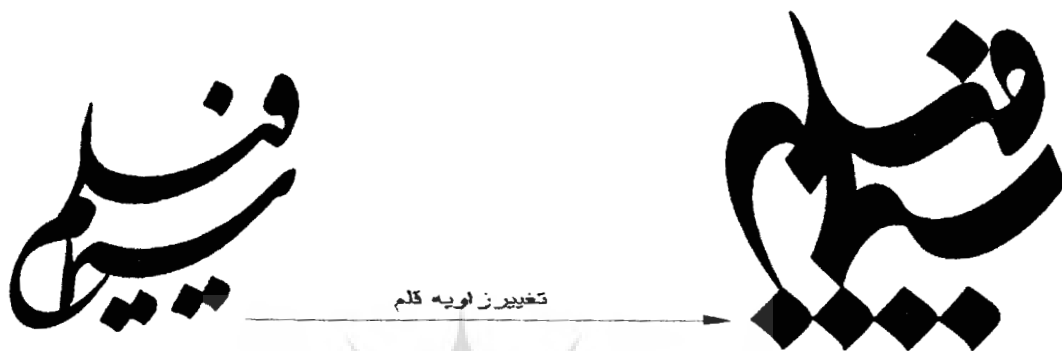


۵- استفاده از دفورماسیون خطوط:

مناسب آن، شدت دادن به دوره‌های کلمه و برعکس و کوچک و بزرگ کردن اندام حروف و مفردات.

نشانه‌های بسیاری وجود دارند که طراح با استفاده‌ی نابجا و غیر اصولی خوشنویسی به دلیل عدم تسلط بر قواعد این هنر، نتوانسته به طور صحیح و سلامت پیام نهفته در نشانه را به مخاطب القاء کند. دفورماسیون در طراحی یک خط نشانه از لحاظ اهمیت در رتبه‌ی بالایی قرار دارد زیرا تقریباً می‌توان گفت در اکثر خط نشانه‌ها از این خاصیت استفاده می‌شود. به مثال‌های زیر توجه نمایید.

اقسامی از خط نشانه‌ها وجود دارند که طراح آن بر حسب ضرورت با دست بردن در قواعد خوشنویسی و استحاله نمادهای سنتی و رعایت قواعد مبانی بصری، سعی در دستیابی به فرم بدیع و نوظهوری دارد که در طراحی خط نشانه آن را به کار بندد. قطعاً هنرمند طراح برای رسیدن به چنین هدفی باید از شگردها و روش‌های دشوار، پیچیده و راه‌های مطابق با اسلوب خوشنویسی و مبانی علم گرافیک بهره جوید. راه‌هایی مانند اغراق و تأکید بجا بر بعضی از نمادها، همسان و نزدیک نمودن قوت و ضعف (ضخامت و نازکی کلمه‌ی خوشنویسی شده)، دست بردن بجا در زاویه‌ی به دست‌گیری قلم و تغییر



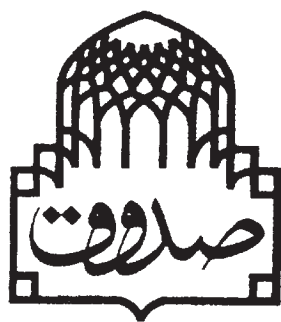
مفردات ادغام می‌شود که علاوه بر اینکه هیچ یک وسیله‌ی تزیین دیگری نمی‌باشد، اما در نهایت نشانه از وجود هر دو عنصر به یک میزان سود می‌جوید. مثلاً در خط نشانه‌ی «موزه رضا عباسی» پیچ و تاب‌های خیال پردازانه‌ی خطوط و حرکت‌های نرم اسلیمی دست در دست یکدیگر داده تا مفهوم فرهنگ و هنر از این خط نشانه که متعلق به یک موزه فرهنگی و هنری است به آسانی درک شود و یا در خط نشانه‌ی «بنیاد نهج البلاغه»، طراح به خوبی از استعدادهای خط «کوفی گره دار» استفاده و در پیکره‌ی کلمات از فرم زیبای گره‌های تزیینی سود جسته است.

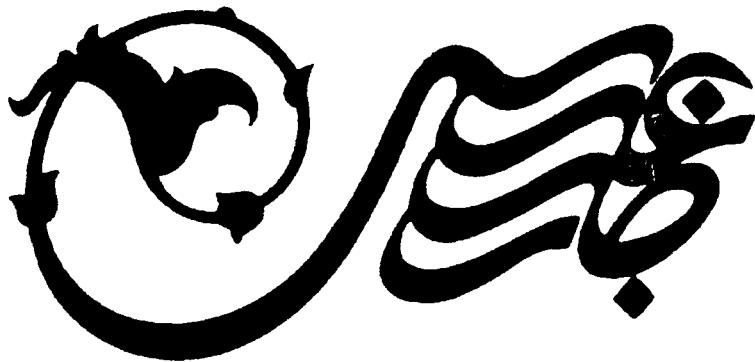
امروزه طراح گرافیک در طراحی خط نشانه با استفاده از چنین منابع گسترده و در اختیار داشتن ابزارهای هوشمند و جوهر ذاتی و شعور دریافت و ذهن جست‌وجوگر و خلاق خود می‌تواند به ایجاد فرم‌های بدیع و تازه دست یابد.

انواعی از خط نشانه‌ها وجود دارند که طراح با آمیزش صوری و معنایی عناصر بصری و نوشتاری، از دو روح مستقل و رها در کالبد یک فرم واحد، پیام مقتضی را به مخاطب القا می‌کند. در این قسم از خط نشانه، نمادهای بصری نظیر مربع، دایره و نقوش سنتی و... چنان با پیکره‌ی هندسی حروف و



گونه‌ای دیگر از همنشینی و همسایگی عناصر بصری و نوشتاری وجود دارند که این دو عامل بدون آمیزش و تلفیق با هم طرح می‌شوند. در حقیقت همکاری این دو عنصر بدین گونه است که یکی از این دو عنصر فضای خلوتش را در اختیار عنصر دیگر می‌گذارد یا کلمه و یا عبارت خطاطی شده جهت معرفی نشانه و پیام مورد نظر به کار می‌رود. به نشانه‌های زیر توجه نمایید.





خط نشانه‌ی «موزه رضا عباسی»، طراح: مرتضی ممیز، خطاطی: استاد محمد احصایی، سال ۱۳۵۵

خط نشانه موزه رضا عباسی که در سال ۱۳۵۵ توسط استاد ممیز طراحی شده است از بسیاری جهات می‌تواند نشانه‌ای زیبا و در نوع خود منحصر به فرد باشد. باتوجه به تقسیم‌بندی‌هایی که در مبحث خط نشانه داشتیم این خط نشانه را می‌توان در ردیف خط نشانه‌هایی قرار داد که با عناصر بصری تلفیق شده‌اند. بهتر است ابتدا این خط نشانه را از جنبه اصول خطاطی و خوشنویسی و سپس از لحاظ بصری و گرافیکی بررسی کنیم. به طور کلی می‌توان قواعد خط را به ۴ دسته تقسیم کرد:

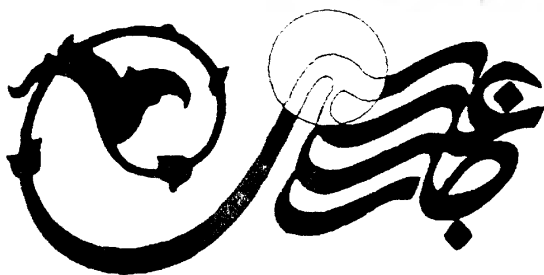
۱- اصول ۲- نسبت ۳- ترکیب ۴- کرسی که بررسی اصول و نسبت را «حسن تشکیل» و بررسی ترکیب و کرسی را «حسن وضع» می‌گویند.



اگر از بعد اسلوب و قواعد کلی خط به این خط نشانه بنگریم درمی‌یابیم که چه از جنبه‌ی حسن وضع و چه از جنبه‌ی حسن تشکیل، این خط نشانه بسیار اصولی و زیبا طراحی شده است. از لحاظ حسن تشکیل تمام سطرها، قوت‌ها و ضعف‌ها به زیبایی هرچه تمام‌تر بر روی یکدیگر سوار شده‌اند.

و بیاض را در اولین برخورد به آسانی می‌بیند. این خصوصیت باعث می‌شود هنگام خواندن کلمه «رضا عباسی» چشم به بالا هدایت شده و در خوانش کلمه، مفردات از لحاظ تقدم و تاخر به درستی پیده شوند که این مهم خوانایی کلمه را آسان نموده است. این همسنگی در مد حرف «س» با دیگر مدها و تلفیق درست آن با حرف «ی» باعث شده تا چشم استفاده از خط شکسته و خط ثلث را به راحتی نبیند، اگرچه از لحاظ صحیح‌نویسی مفردات بین دو حرف «س» و «ی» یک دندان اضافه وجود دارد. اما در طراحی نشانه، به خصوص خط نشانه هرکدام از عوامل خوشنویسی و گرافیک حاضرند برای زیبایی و انسجام هرچه بیشتر، قواعدشان را در خدمت زیبایی بگذارند.

سواد و بیاض‌ها بسیار زیبا و همسنگ هم طراحی و نوشته شده‌اند. (منظور از قاعده‌ی سواد و بیاض، رعایت و سنجش سیاهی خط و تشکیل مقدار سفیدی آن است که در داخل حلقه‌های صاده، ضاده، طاء، ظاء، فا... تشکیل می‌شود). در این خط نشانه تناسب و نسبت خطی نیز به خوبی رعایت و حروف همجنس و مشابه در نزدیکی و کنار هم قرار گرفته‌اند و درواقع به یک اندازه و موافق هم و مساوات حروف نیز رعایت شده است. از لحاظ حسن وضع نیز حروف بسیار معتدل و موافق با هم آمیخته شده و ترکیب خوشایندی را ساخته‌اند. متن‌ها در اندازه‌های مطلوب و به مورد و بجا استفاده شده‌اند و انحناهای زیبای «ی» کشیده، این خط نشانه را از فرم خشک بیرون آورده و به اصطلاح جزر و مد و خلوت و جلوت این نشانه را متعادل ساخته است. از دیگر نکات بسیار مهم در اکثر خط نشانه‌ها تلفیق دو خط با یکدیگر است. در این خط نشانه نیز در طراحی حرف «ی» از خط شکسته استفاده شده است و آن چسبیدن مناسب‌تر نقش اسلیمی به حرف بوده است. در کلمه‌ی عباسی، قسمت سطح در حرف «س» آن قدر قانونمند و منطقی بر روی مدها سوار شده که فاصله‌ی بین بیاض مدها هم اندازه‌ی جلوت یا سوادشان و به اندازه‌ی دانگ همان قلم شده و یک ریتم منظم عمودی تشکیل داده است. به همین دلیل چشم مسلح به اسلوب و قواعد، رعایت قاعده‌ی سواد



این نکته‌ی بسیار مهم در نوشتن مفرداتی مانند «ضا» و «عبا» مشاهده می‌شود.

در خاتمه‌ی این فصل لازم است از انواع دیگری از نشانه‌های خطی یاد شود که به لحاظ اینکه خود زیر مجموعه‌ای از اقسام یاد شده می‌باشند، تلویحاً به آنها اشاره می‌کنیم.

الف - استفاده از روحیه‌ی سیاه مشق:

گروه پستارو
الایمن

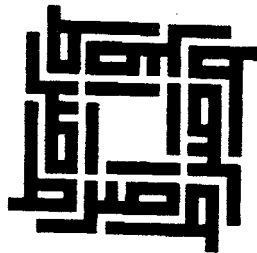
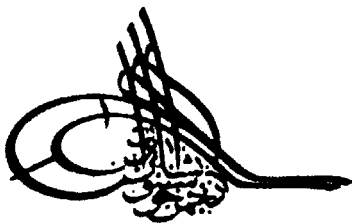
ب - سرلوح‌ها (تیترو روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها)

سر داد
تکتاب سمنی
عماد اب سمنی

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ج - طراحی نشانه استفاده از خطوط طغری و بنایی





خط نشانه‌ی «بنیاد نهج البلاغه»، طراح: استاد محمد احصایی، سال ۱۳۶۱



خط نشانه‌ی بنیاد نهج البلاغه که در سال ۱۳۶۱ توسط آقای احصایی طراحی شده، یکی از خط نشانه‌هایی است که در آن به خوبی از درهم‌رفتگی و ادغام مفردات با هم که در خط ثلث از ارکان زیبایی می‌باشد، استفاده شده است. از نقاط قوت این خط نشانه، استفاده هنرمندانه از صورت و معنی کلمه‌ی «نهج البلاغه» است؛ بدین صورت که قسمت بالایی حرف «ه» ادامه پیدا کرده و دور نقطه‌ی «ن» به شکل گره پیچیده و به شماره‌ی حرف «الف» ختم شده است و در انتهای شماره چشم به نقطه هدایت می‌شود.

دیده می‌شود، یکی «الف» شماره‌دار و دیگر «الف» ملحق است که به صورت قرینه از دو طرف دو «لام» رسم می‌شود. در اینجا دو نکته بسیار مهم مشاهده می‌شود که هر دو نکته، هم در خوشنویسی و هم در نشانه‌سازی، از ارکان زیبایی به حساب می‌آیند و از مبانی نشانه‌سازی به خصوص در خط نشانه است. الف - چیدن به صورت قرینه، ب - پیچ و تاب دادن به حروف و تغییر حالت آن در صورت نیاز برای زیبایی.

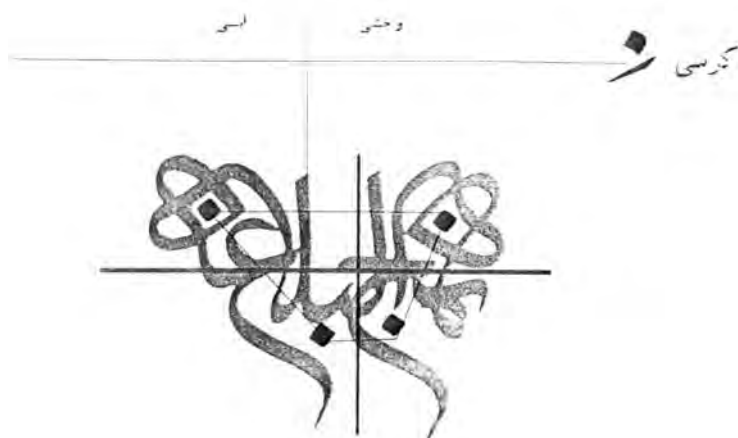
الف - نکته مهمی که در خوشنویسی جمله و حروف بسیار مهم است چیدن نقطه‌ها به صورت قرینه در دو فضای وحشی و انسی است؛ بدین صورت که در صورت امکان نقطه‌ها نسبت به محور عمودی و افقی (یکی کرسی است و دیگری خط عمودی است که جمله را به دو قسمت وحشی و انسی تقسیم می‌کند) باید به صورت قرینه یا تقریباً نزدیک به نقطه‌ی قرینه چیده شوند. ما مشاهده می‌کنیم که در این خط نشانه رعایت این نکته به خوبی شده است.

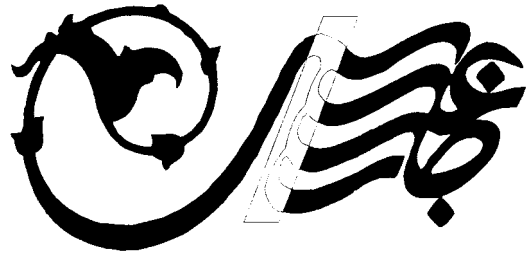
شروع راه از حرف «ه» و پیچیدن آن به دور نقطه و ختم شدن به «الف» و هدایت شدن دوباره‌ی چشم به نقطه در انتهای شماره‌ی «الف»، بیانگر این نکته‌ی زیباست که بشر دنیایی برای متعالی شدن و بالا بردن شناخت خود در زندگی و هستی (حرف «ه» نماد هستی است) باید درک خود را از مبدأ بالا ببرد. (نقطه نماد مبدأ و آغاز پیدایش انسان است) تحصیل این درک، عمری ممارست و مطالعه و طی راه پیچیده‌ای را می‌طلبد (پیچیدن به صورت گره) تا بتواند به یار رسیده (معاد) که حرف «الف» حرف اول الله و تداعی‌کننده‌ی قامت یار است. برای کامل شدن مطلب باید به این بیت مولانا اشاره شود:

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود

به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

در حقیقت این خط نشانه، به خوبی توانسته است پیام زیبای کلمه را از معنی به صورت برساند. از کمی دورتر که به این خط نشانه بنگریم، دو «الف»

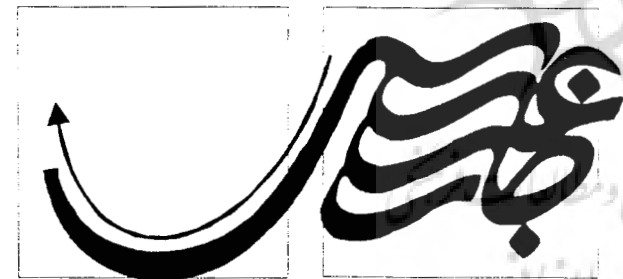




اگر دقت کنیم می‌بینیم که در نوشتن و طراحی «ضا» و «عبا» حرف «الف» نه تنها از حد معمولی آن کوتاه‌تر نوشته نشده بلکه اصلاً الفی به چشم نمی‌خورد زیرا با زیبایی هرچه تمام‌تر، ستون ضعف‌ها در مفردات این کلمه خود تداعی الف می‌کند و هنرمند طراح «الف» را در زیر مفرداتی که بر روی مد سوار می‌شدند با زیبایی هرچه تمام‌تر استتار کرده است.

اما سوای نقاط مثبت این خط نشانه از جنبه‌ی خطاطی نکته‌ی بسیار ظریف که زیبایی آن را مضاعف کرده است، آمیزش بجا و درست عنصر اسلیمی با حرف «ی» کشیده است. برای روشن‌تر شدن مطلب و تجزیه و تحلیل بصری بجاست که ابتدا توضیح مختصری درباره‌ی نقوش اسلیمی داده شود. نقوش اسلیمی به عنوان مهم‌ترین نقش، با خطوط ترکیب شده و به خط ارزش زینتی داده و همواره مد نظر هنرمندان ما بوده است. گاهی این نقوش به صورت سر اسلیمی بر روی حروفی مانند «الف» و «لام» و... و گاهی بر روی شماره‌ی حرف «ی» قرار می‌گرفت. از مهم‌ترین کاربرد نقوش اسلیمی در قرن‌های اولیه هنر اسلامی، به خصوص در ایران، همراهی این نقش با هنر خوشنویسی بوده است. در واقع خطنگاری مهم‌ترین بستر برای رشد و تکامل نقش اسلیمی بوده است. همان‌طور که استفاده از شکل‌های حیوان و یا انسان در بسیاری از ادیان مرسوم است، در اسلام نیز خطوط تزئینی با نقوش اسلیمی و هندسی، به عنوان عناصر بصری تزئینی ارائه شده‌اند. یکی از علل مهم استفاده از این نقوش در خط، در این نکته است که شکل خاص خط عربی به خصوص خط کوفی، این امکان را به هنرمند داده است که بتواند آن را با شکل‌های بسیار زیاد و با ترکیبات موزون و دارای یک ریتم منظم ترسیم کند؛ به طوری که هیچ‌گاه حروف مفهوم و معنای خویش را از دست ندهند. تعداد بی‌شماری از انواع خط کوفی تزئینی موجود است که توسط هنرمندان در قرون اولیه‌ی اسلام طراحی شده‌اند.

با مطالعه‌ی دقیق نقوش تزئینی که در تزئینات خط کوفی به کار رفته، می‌توان به ارتباطی مستقیم با هنرهای تزئینی قبل از اسلام دست یافت. از دیگر ترکیبات نقش اسلیمی و خطوط، حضور نقش اسلیمی به عنوان زمینه‌ای برای خطوط، به خصوص خط کوفی بوده است (منظور کوفی مزهر است که یا بر روی زمینه‌ای از گل و برگ و اسلیمی قرار داده می‌شود و یا انتهای حروف آن تبدیل به شاخه‌های باریک گیاهی می‌گردد). نقش اسلیمی آنقدر با خط مانوس گشت که بعدها برای زمینه‌ی سیاه مشق‌ها، به خصوص سیاه مشق‌های میرزا غلامرضا اصفهانی نیز استفاده می‌گردید. مشهورترین مثال برای استفاده‌ی این نقوش و تذهیب به این شیوه، چندین قرآن است که به نام قرآن‌های «قرامطیان» معروف شده‌اند. در این قرآن‌ها خط کوفی با نقوش پیچشی اسلیمی به صورت حلزونی، بدون هیچ ترکیبی با حروف و تنها به عنوان زمینه، با رنگ قهوه‌ای روشن، تذهیب شده‌اند. باید افزود که نقش اسلیمی دارای منشأ مذهبی و در دوره‌ی اسلامی ابتدا در کنار خط کوفی که انتقال‌دهنده‌ی پیام الهی بوده است، رشد و تکامل پیدا کرده و بعدها در بستر بسیاری از خطوط دیگر نیز استفاده شده است. به همین دلیل نقش اسلیمی به عنوان مهم‌ترین الفبای تزئینی در هنر اسلامی و به خصوص خوشنویسی در همه جا تا به امروز، والاترین جایگاه را داشته است.



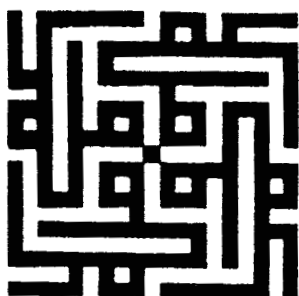
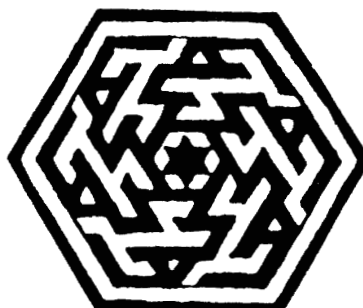
باتوجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که برای طراحی نشانه‌ی یک موزه‌ی هنری اسلامی استفاده از خط به خصوص ثلث و استفاده از نقش، آن هم نقش اسلیمی تا چه اندازه منطقی و هنرمندانه است. در خط نشانه‌ی موزه رضا عباسی آمیزش زیبای سراسلیمی به شماره‌ی حرف «ی» در کلمه‌ی عباسی آن قدر هنرمندانه است که چشم آن را جزئی از خط احساس می‌کند. این نقش به خوبی فضای بیاض داخل حرف «ی» را پر کرده است و باعث شده تا قسمت راست این خط نشانه از قسمت چپ آن سنگین‌تر نشود. پیچش اسلیمی به درون مرکز دایره، چشم را به درون خط نشانه بازمی‌گرداند و باعث می‌شود شماره‌ی حرف «ی» چشم را به بیرون نشانه پرتاب نکند.



اما در نکات بالا تکیه‌ی بسیاری بر اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کلمات و درستی آنها و حسن هم‌نشینی سالم و صحیح و وضع قرارگیری مفردات و... داشتیم. اگر از کمی دورتر به این خط نشانه توجه کنیم و چشم را خسته از درگیری با مفردات و قواعد و اجزای بصری نکنیم، متوجه‌ی نکته‌ای بسیار باریک و زیبا می‌شویم که در جای خود بسیار آموزشی و اصولی می‌باشد و آن این است که اگر این خط نشانه را به دو قسمت، کادر کنیم در می‌یابیم که در دو کادر دایره و مربع محاط می‌شوند که شناخت فرم آنها از ارکان رسامی و هندسه، علی‌الخصوص اجرای نشانه می‌باشند. (دایره، مثلث و مربع سه شکل اصلی هستند که تمام اشکال را می‌توان به صورت انتزاعی با این سه فرم رسم کرد و رعایت آن بر هرچه زیباتر شدن نشانه می‌افزاید)

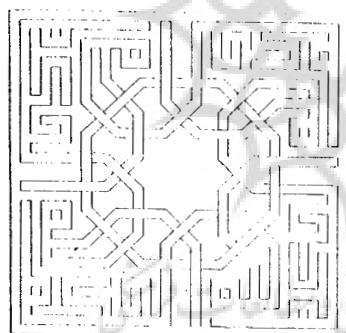
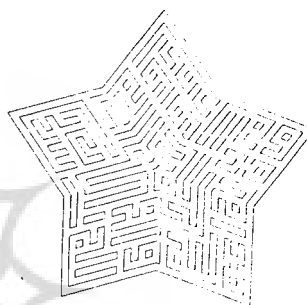
با یک نگاه کلی می‌توان گفت این خط نشانه به لحاظ اجرای دقیق، انسجام فرم‌ها و رعایت قواعد خطی چه از جنبه‌ی خطاطی و چه از جنبه‌ی تصویری، حاوی نکات بسیار عمیقی است و آن را باید در ردیف خط نشانه‌های منحصر به فرد و پر نکته بررسی نمود.

(تصویر شماره ۱) شیراز: مزار امامزاده شاه علاءالدین حسین
(شش بار محمد (ص) - شش بار علی (ع) - نقل از کتاب: نقش و
نگاره‌های ایرانی، تألیف: علی دولشاهی)



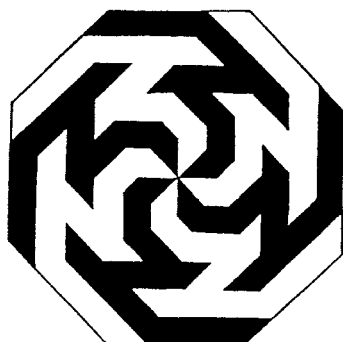
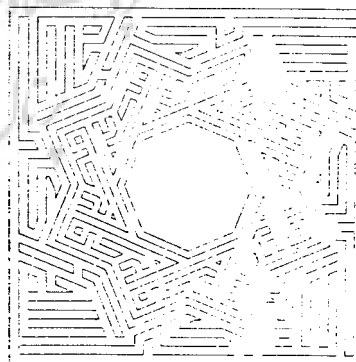
(تصویر شماره ۲) نوع خط کوفی معقلی مشکل، ترکیب ۴
علی (ع) با ۴ محمد (ص) - نقل از کتاب: مصور الخط

(تصویر شماره ۳) اصفهان. مسجد علیقلی آقا - نوشته کوفی
«لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله». نقل از کتاب:
کاشی کاری ایران.



(تصویر شماره ۴) کاشان از آب انبار صباغ - نقل از
کتاب: کاشی کاری ایرانی.

(تصویر شماره ۵) اصفهان: مدرسه کاسه‌گران: نقل از کتاب:
کاشی کاری ایران.



(تصویر شماره ۶) نام مبارک علی (ع) (۴ سیاه و ۴ سفید) با
عنوان: «سواد و بیاض».

ب - در خط نشانه‌ها بسیار دیده شده که برای تحریک حس زیبایی مخاطب، حرف «الف» یا کلیه‌ی حروف با یک پیچ و تاب خاص و گاه اغراق آمیزی نوشته و ترسیم شده‌اند. یا در خوشنویسی، چشم هنرمند این نکته را مکرراً در خطوط مشاهده نموده که شماره‌ی حروف یک تکان ریز به صورت غمزه، مانند پلک چشم انسان، خورده است که آن حرف را از خشکی و ماشینی بودن در می‌آورد و چشم بیننده‌اش را نوازش می‌دهد.

در رسالات قدما نیز اشاره‌ای موزون به این نکته شده است. در بخش صنعت حرف «الف» آمده است:

قلم را تاب ده چندان که باید
 دو دانگ خامه بر کاغذ بباید
 در خط نشانه بنیاد نهج‌البلاغه نیز این نکته به وضوح دیده می‌شود و الحقی، بر زیبایی کار افزوده است.

از دیگر مواردی که به زیبایی، انسجام و پختگی این خط نشانه کمک کرده است، یافتن دو حرف از جنس هم مانند حرف «ج» در نهج و «غ» در البلاغه و چین‌درست و اصولی این دو حرف کنار هم می‌باشد و ایجاد ریتم منظم در زیر کرسی مانند بالای کرسی به تعادل و زیبایی این خط نشانه افزوده است.



نکته دیگری که در این خط نشانه مشاهده می‌شود وجود دو گره چینی در دو سمت راست و چپ «الف» و لام» هاست که نوک آنها، چشم را به سمت داخل خط نشانه هدایت می‌کند و این مهم در انسجام این نشانه تأثیر بسزایی داشته است.



است که دسته‌های حروف این نوع کوفی در حین صعود مانند عشقه به دور هم می‌پیچند و تقریباً شبیه کوفی گره‌دار است.

در این خط نشانه نیز برای پر کردن فضای خالی بالای حرف «ه» و «ع» از این گره به خوبی استفاده شده است که خاصیت احساسی زیباشناسی دارد.

به طور کلی می‌توان گفت که تمام موارد بالا یکجا و در کنار هم، این خط نشانه را به یک نشانه‌ی زیبا، تأثیرگذار و آموزشی بدل کرده است.

نمونه‌ی استفاده از این گره‌ها را پیشینیان هنرمند ما در کتیبه‌ها به منظور پر کردن فضای میانی کتیبه استفاده می‌کردند تا سنگینی حروف در قسمت پایین کتیبه چشم را نیازارد و به قول پروفیسور پوپ آمریکایی، جای صفحات تزئینی را پر می‌کرده است. یکی از اقسام خط کوفی، کوفی گره‌دار (مَعْقَد) است که دسته‌ی این حروف در این نوع کوفی در حین صعود به دور خود یا با هم گره می‌خورد. اگر دو یا چند دسته حروف با هم گره بخورند و این گره‌ها که غالباً به صورت مربع القا می‌گردد، تکرار شود می‌تواند مشبک نیز نامیده شود. نوعی دیگر که باز هم گره در آن دیده می‌شود، کوفی «پیچنده یا معشوق»